

مصاحبه اتحاد کار با رفیق پرویز نویدی

مسئول روابط عمومی کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

## در رابطه با سیاست های ائتلافی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

دوم پلاتفرم که در آن آمده است که "استقرار نظامی دموکراتیک و مردمی در شکل جمهوری و با انتخاب آزادانه اکثریت مردم ایران" از این ائتلاف کنار کشید. سازمان فدائیان اقلیت تاکید بر جمهوری در این بند را نمی پذیرفت، با این استدلال که جمهوری را جزء اشتراکات نمی دانست.

این ائتلاف از آغاز ضمن اشتراکات دارای نقاط افتراق هم بود اما بر خلاف رسم رایج در گذشته که در هر همکاری اختلافات برجسته شده و ثقل زیادی پیدا می کرد، در این حرکت هر سه جریان مسئولانه با آگاهی از اختلاف ها و اشتراک ها، توافق کردند که که مبارزه مشترک را بر مبنای اشتراکات پیش برده و تلاش نمایند در جریان عمل نقاط افتراق را دقیق تر شناخته در جهت کم کردن دامنه آن بکوشند.

**اتحاد کار - افتراق ها و اختلافات چه بودند؟**

**پرویز نویدی -** مهمترین نقطه افتراق در رابطه با این حرکت، به تلقی و درک ما از این ائتلاف و آینده آن برمی گشت. حزب دموکرات کردستان ایران و ما در این زمینه نظر حدودا مشترکی داشتیم. معتقد بودیم که در شرایط فعلی ضرورت دارد که حول خواسته های مردم و برای استقرار حکومت دموکراتیک به جای جمهوری اسلامی می بایست ائتلافی شکل گیرد تا مبارزات مردم ایران بتواند هماهنگ و سازماندهی شود. اما از نظر راه کارگر تلاش برای تشکیل یک جبهه دموکراتیک را کردن منافع طبقه کارگر و سازش با طبقات دیگر تلقی می شد و تحت عنوان جبهه سازی های فرا طبقاتی رد می شد. با وجود این اختلاف مهم، هر سه جریان توافق کردند که تا زمانی که این مساله و این اختلاف مانع پیشرفت مبارزه مشترک نشده است به همکاری ادامه دهند. با این تاکید که اولاً هیچ یک از این سه جریان این ائتلاف را جبهه نمی دانستند و ثانیاً براین نظر بودند که تا رسیدن به یک جبهه راه درازی در پیش است و ممکن است در جریان کار مشترک این سه جریان نظراتشان بتواند به یکدیگر نزدیک شود.

**اتحاد کار -** چگونه این دو درک و برداشت از ائتلاف و چشم انداز آن می توانست رهگشای مبارزه مشترک جاری شود. آیا این اختلاف مانع فعالیت مشترک نمی شد و پیشرفت کارها را کند نمی کرد؟

**پرویز نویدی -** روشن است که پیشرفت وظایف با مانع روبرو می شد و کند پیش می رفت. در این دوره چند ساله که ما همکاری مشترک داشتیم همواره سایه این درک های متفاوت روی فعالیت ها قابل مشاهده بود. همانگونه که در جریانید فعالیت "اتحاد پایدار سیاسی" در قالب کمیته ای به نام "کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی در ایران" پیش می رفت. از همان روز نخست تشکیل چنین کمیته ای، حتی نام آن موضوع اختلاف و کشمکش فراوان بود. سازمان راه کارگر متأثر از درک خود بر این نظر بود که تشکیل چنین کمیته ای در خدمت جبهه قرار می گیرد و از این زاویه با آن مخالفت می کرد و نام آن را نیز نمی پذیرفت. سرانجام پس از کشمکش بسیار این جریان نام این کمیته را که

در رابطه با سیاست های ائتلافی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، وضعیت کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی در ایران، خروج راه کارگر از این کمیته، سیاست سازمان در قبال دیگر نیروهای ترقی خواه برای مبارزه مشترک در جهت استقرار دموکراسی و..... پرستش هائی طرح شده و از نشریه اتحاد کارپاسخ طلب کرده اند. هیئت تحریریه نشریه اتحاد کار، این سئوالات را با پرویز نویدی مسئول روابط عمومی کمیته مرکزی سازمان در میان گذاشت. متن زیر حاصل این مصاحبه است که از نظر تان می گذرانیم

**اتحادکار -** کنگره هشتم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران طی قطعنامه ای تلاش برای شکل گیری یک آلترناتیو دموکراتیک و لائیک در برابر جمهوری اسلامی را مورد تاکید قرار داد. می خواستیم بدانیم که کمیته مرکزی سازمان در این راستا و برای تحقق این مصوبه، چه کرده است؟

**پرویز نویدی -** سیاست های ائتلافی نه فقط در این کنگره، بلکه در تمامی کنگره های سازمان یکی از مباحث مهم و بحث انگیز ما بوده است. البته سیاست ها و مصوبات ما و نظرات اعضا در سازمان، هیچگاه کاملاً مغایر یکدیگر نبوده و در برابر هم قرار نداشته است. عموم مصوبات ما در تکمیل، تصحیح و تأیید سیاست های پیشین بوده و در مجموع در راستای یک خط فکری قرار داشته اند. ما از بدو شکل گیری سازمان بر مساله اتحاد و همکاری سازمانها که منطقی باید بازتاب همکاری اقشار و طبقات مختلف باشد، تاکید داشته ایم. به نظر ما تحولی که جامعه ایران بدان نیازمند است مختص یک گروه، قشر و طبقه معین نیست. در این تحول نیروهای طبقاتی و سیاسی مختلف منافع مشترک دارند. از این اشتراک منافع، ضرورت اتحاد و همکاری و هماهنگی در مبارزه برای غلبه بر پراکندگی بیرون می آید. با درک این ضرورت سازمان ما به عنوان بخش کوچکی از این جنبش، کوشیده است به سهم خود در جهت شکل گیری یک ائتلاف بزرگ بر مبنای پلاتفرمی که در آن می بایست برای گرهی ترین و مبرم ترین مسائل جامعه پاسخ داشته باشد، حرکت کند. با چنین نگاهی ما همواره از اتحاد و همکاری جریانات سیاسی ترقی خواه بر مبنای یک برنامه استقبال کرده و کوشیده ایم در هر حرکتی هر چند کوچک حضور داشته به سهم خویش نقش ایفا نماییم.

نتیجه این تلاش ها نزدیک به ۱۰ سال پیش منجر به شکل گیری ائتلافی شد که با نام "اتحاد پایدار سیاسی" معرفی شد. این "اتحاد" بین حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر و سازمان ما شکل گرفت. البته قبل از اینکه چنین پلاتفرمی مورد توافق این سه نیرو قرار گیرد، یک دوره حدوداً دو ساله همکاری و اتحاد عمل مشترک، بین این سه شکل جریان داشت و در همین دوره همکاری توانستیم یک زبان مشترک پیدا کنیم و اعتماد متقابل بین ما تقویت شد. همینجا لازم است بگویم در این دوره سازمان فدائیان اقلیت نیز در همکاری های مشترک حضور داشت ولی به دلیل عدم توافق روی بند

**پرویز نویدی** - ما مضمون این پلاتفرم را قابل دفاع می دانسته ایم و پیشنهادی برای تغییر در مضامین آن نداشته ایم.

**اتحاد کار** - اخیرا یکی از مسئولان راه کارگر ( آقای شهاب برهان) در جریان پاسخ به مقاله انتقادی محمد اعظمی از کنگره دهم راه کارگر، چنین ادعا کرده است :

" چندی پیش که قرار بر توسعه اتحاد عمل پایدار سیاسی بود، هیات نمایندگی سازمان اتحاد فدائیان خلق پیشنهاد حذف عبارت " سرنگونی" از قرار داد اتحاد عمل و جایگزینی آن با یک عبارت دو پهلو را به نشست آورد که با مخالفت سرسختانه هیات های نمایندگی راه کارگر و حزب دموکرات کردستان روبرو شد"

در این مورد یعنی پیشنهاد حذف عبارت سرنگونی و جایگزینی آن با یک عبارت دو پهلو چه می گوئید؟

**پرویز نویدی** - برای من روشن نیست چرا چنین ادعائی شده است. خوشبختانه امروز بسیاری از گفتگوها به صورت مکتوب موجودند و می توان در صورت لزوم و برای رفع برخی از ابهامات آنها را منتشر نمود.

اما در آن گفتگو که من نیز حضور داشته ام، ما برای تدقیق پلاتفرم هشت ماده ای اتحاد پایدار سیاسی پیشنهاد کردیم که بند نخست آن که سرنگونی را به عنوان یک خواست در ردیف سایر خواست ها عنوان کرده است از بخش خواسته ها به مقدمه آن منتقل شود، چون سرنگونی از نظرها، شرط تحقق تمامی خواسته هائی است که در پلاتفرم قید شده است از اینرو تاکید بر آن در مقدمه پلاتفرم را دقیق تر و مناسب تر دانسته و همدیگر قرار دادن آن با دیگر خواسته ها را بی دقتی می دانستیم. بنابراین مساله حذف سرنگونی برای نه سازمان ما و نه حتی تا آنجا که من اطلاع دارم برای هیچکدام از اعضای هیئت نمایندگی ما زیر سؤال نبوده است.

اما آن "عبارت دو پهلو"ی مورد اشاره ایشان، عبارتی است که ما برای تدقیق پلاتفرم داده بودیم. آن عبارت دو پهلوئی مورد تاکید ایشان چنین است:

" ما همچنین سایر احزاب، سازمانها و شخصیت های سیاسی اپوزیسیون که در راه برچیدن بساط رژیم جمهوری اسلامی و تامین حق حاکمیت مردم مبارزه می کنند را به .."

از این فرمول یعنی " برچیدن بساط رژیم جمهوری اسلامی"، دراطلاعیه ها و اعلامیه های کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی به کرات استفاده شده است. و در تمام آن دوره که با راه کارگر فعالیت مشترک داشتیم روی استفاده از این جمله توافق کامل وجود داشت و هرگز انتقادی از جانب هیچکدام از سه جریان مطرح نشد. من نمی دانم که این رفیق مضمون و مفاهیم را مد نظر قرار می دهد و یا برخی کلمات به خودی خود برایش مقدس است.

لازم می دانم اضافه کنم که دقیقا عین این جمله یعنی برچیدن بساط رژیم جمهوری اسلامی بارها و بارها در اسناد رسمی خود رفقای راه کارگر بکار رفته است.

**اتحاد کار** - پس از اینکه کمیته اتحاد عمل نتوانست گسترش پیدا کند فعالیت این کمیته چگونه تداوم یافت؟

**پرویز نویدی** - کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی در ایران از یکطرف به دلیل درک های متفاوت نیروهای تشکیل دهنده اش از نظر فعالیت سیاسی نمی توانست چندان تحرکی داشته باشد، خصوصا در شرایطی

"اتحاد برای دموکراسی" بود نپذیرفت و به جای آن روی " اتحاد عمل برای دموکراسی .." توافق نمود تا از بار و وزن آن کم کند. یا در رابطه با سخنگو و اختصاص نیرو و امکانات برای ایجاد دفاتر در کشورهای مختلف مقاومت زیادی صورت می گرفت و این مجموعه همه تحت تاثیر تلقی های متفاوت به موضوع اختلاف تبدیل می شد و انرژی فراوانی را مصروف خود می کرد. در یک کلام می توان گفت که از همان نخست در این حرکت استخوانی لای زخم به جا ماند و همواره در این چند ساله به صورت مانعی در جهت فعالیت کمیته عمل می کرد.

**اتحاد کار** - برای گسترش این ائتلاف چه تلاشی صورت گرفت و حاصل آن چه بود؟

**پرویز نویدی** - از همان آغاز که تلاش برای شکل گیری یک ائتلاف دموکراتیک به جای جمهوری اسلامی در دستور قرار گرفت، هدف این بود که چنین ائتلافی بتواند ظرفی برای همکاری مجموعه احزاب، سازمانها، تشکل ها و شخصیت ها و فعالان منفرد سیاسی تبدیل شود. با این فکر بود که در مقدمه این پلاتفرم از همه این نیروها تقاضا شده است که در شکل گیری چنین ائتلافی نقش ایفا کنند. به دلیل چنین اعتقادی، با وجودیکه این سه جریان بر سر پلاتفرم به توافق رسیده بودند اما انتشار آن را یکسال با این هدف که بتوانند توافق نیروهای بیشتری را جلب کنند، به تاخیر انداختند. در این زمان با دیگر جریانها صحبت شد. برخی از آنها با اینکه حرکت را مثبت می دانستند اما برای همکاری و مشارکت در یک ائتلاف تردید داشتند. بالاخره این تلاش با امضای سه جریان اعلام موجودیت کرد، با این امید که در جریان عمل بتواند خود را گسترش دهد. در جریان کار مشترک و طی تماس با تشکل های دیگر بالاخره کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران و شورای موقت سوسیالیست های انقلابی ایران برای همکاری و اتحاد، موافقت خود را اعلام کردند و در جلسه ای که بدین منظور در ژوئن ۲۰۰۳ برگزار شد این دو جریان با پذیرش مضمون پلاتفرم هشت ماده ای، خواستار به روز کردن و تدقیق آن بودند. در این فاصله از طریق نمایندگان حزب دموکرات کردستان با خبر شدیم که یکی از جریانها کردستان به نام اتحاد انقلابیون کردستان ایران خواهان پیوستن به این ائتلاف شده است. که با پیوستن آن موافقت شد. اما در جلسه ای که با حضور ۵ جریان یعنی نمایندگان رهبری حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر، شورای موقت سوسیالیست های انقلابی ایران و ما برای تدقیق و به روز کردن بیانیه هشت ماده ای تشکیل شد به دلیل اختلاف بر سر تغییر و یا حفظ نام این ائتلاف، این تلاش به نتیجه نرسید. حزب دموکرات بر این نظر بود که قبل از گسترش " کمیته ...." هیچ تغییری نباید در نام ایجاد شود. و این مورد توافق دو جریان " کومه له" و "شورای موقت" قرار نگرفت. بدین ترتیب تلاشی که برای گسترش این "کمیته" از مدت ها پیش آغاز شده بود بدون دستیابی به نتیجه ای پایان یافت و کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی در ایران با بن بست و بحران گسترش روبرو شد. از این پس برای ما ادامه کاری این ائتلاف به صورت جدی زیر سؤال رفت.

**اتحاد کار** - آیا برای گسترش کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی، سازمان ما پیشنهادی برای تغییر پلاتفرم هشت ماده ای آن داشته است؟

ارزیابی را با سازمان ما هم در میان گذاشته اند، اما ما نسبت به سیاست جدید حزب دموکرات کردستان مشکلی نداشته ایم.

در این رابطه لازم می دانم بگویم که کمیته مرکزی ما هم پس از این پیام طی نامه ای به هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان، انتقاد شدید و نگرانی عمیق خود را از این اقدام و پیامدهای احتمالی آن اعلام نمود و خواستار توضیح در این باره شد. نمایندگان راه کارگر در جلسه مشترک هیئت نمایندگی سه جریان (حزب دموکرات، راه کارگر و ما) از این موضع مطلع شدند. اختلاف در موضع ما با راه کارگر در این زمینه این بود که راه کارگر معتقد بود که این موضع چرخشی است در سیاست حزب دموکرات کردستان، اما ما این ارزیابی را شتابزده می دانستیم و معتقد بودیم که ارسال این پیام با این مضمون یک خطای سیاسی و یک اشتباه دیپلماتیک بوده است اما آن را یک سیاست جدید نمی دانستیم. نمایندگان حزب دموکرات هم در پاسخ ما عنوان نمودند که هیچ تغییری در سیاست آنها پدید نیامده است و حزب دموکرات کردستان کماکان بر سیاست های قبلی خود پا فشاری می کند.

**اتحاد کار** - چرا کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران موضع خود را در رابطه با پیام تبریک به جرج بوش علنی نکرد؟

**پرویز نویدی** - اگر ما هم این ارزیابی را داشتیم که چرخشی در سیاست حزب دموکرات بوجود آمده است حتما خود را موظف می دانستیم که به صورت علنی انتقاد کنیم و تبعات زیانبار آن را در سطح جنبش توضیح دهیم. اما ما از یکطرف چنین ارزیابی نداشتیم و از طرف دیگر شناخت ما از حزب دموکرات در یک پروسه طولانی و در جریان کار مشترک بدست آمده است، نه مجازیم و نه به خود حق می دهیم که متحد سالیان دراز خود را با یک موضع گیری و برای یک اقدام خطا، کنار بگذاریم و روی آن به آسانی خط بکشیم. ما نمی توانیم ارزیابی خود را از یاران دیرینه مان و تاریخ آنها یکروزه تغییر دهیم. فکر می کنم دوستان راه کارگر نیز در این زمینه به خطا می روند و امیدوارم هر چه سریعتر حرکت خود را اصلاح کنند. این برخوردهای تند و شتابزده نه تنها یاران دیروز، که متحدین امروزمان را نیز در برداشتن گام مشترک با ما به تردید می اندازد.

افزون بر تمام اینها ارزیابی ما این بود که از طریق یک نامه دوستانه اما صریح و انتقادی امکان تاثیرگذاری بر حزب دموکرات کردستان بیشتر حاصل می شود تا نامه سرگشاده. بگذریم از اینکه رفیق شهاب برهان که امروز ما را به خاطر علنی نکردن این نامه سرزنش می کند در همان جلسه در مقابل سؤال یکی از نمایندگان حزب دموکرات که پرسید چرا به جای نامه افشاگرانه علنی، به صورت دوستانه انتقاد خود را با ما در میان گذاشتید گفت: حقیقت این است که بلافاصله بعد از انتشار پیام تبریک به جرج بوش برخی از رفقای شناخته شده سازمان ما اقدام به برخوردهای بسیار تندی کردند که اگر ما موضع نمی گرفتیم آن موضع به حساب ما گذاشته می شد. یعنی موضع علنی راه کارگر نه از یک اصولیت که از سرناچاری بوده است.

**اتحاد کار** - ارزیابی شما از فعالیت چندین ساله کمیته اتحادعمل برای دموکراسی در ایران چیست؟

**پرویز نویدی** - این ائتلاف از آنجا که به هدف اصلی خود در جلب همکاری مجموعه نیروهائی که در چارچوب فکری پلاتفرم کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی در ایران قرار داشتند نرسید، با شکست روبرو

که اوضاع سیاسی جامعه هر روز یک معضل را پیش می کشید و ضرورت دخالت و برخورد با آن را در دستور قرار می داد، از طرف دیگر به دلیل پافشاری حزب دموکرات کردستان در حفظ نام آن، مساله گسترش با بن بست مواجه شده بود. برای ما که امر گسترش این کمیته به منظور پاسخگویی به مسائل جنبش بسیار مهم بود، فعالیت در این چارچوب بدون گسترش آن را مفید نمی دانستیم موجودیت آن برایمان به طور جدی زیر سؤال رفت.

**اتحاد کار** - چرا این بن بست را اعلام نکردید؟

**پرویز نویدی** - ما فکر کردیم که مناسب تر است که فعلا فعالیت خود را با مسکوت گذاشتن این کمیته روی شکلگیری یک اتحاد وسیع متمرکز کنیم. چون دیگر ظرفیتی در کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی که بتواند به یک ائتلاف بزرگ فرا برود نمی دیدیم. اعلام آن را به بعد و پس از شکل گیری اتحاد وسیع موکول کرده بودیم.

موضوع ائتلاف وسیع با حزب دموکرات کردستان و راه کارگر در میان گذاشته شد. قرار شد تلاش دیگری مستقل از این کمیته برای شکل گیری این اتحاد به صورت مشترک پیش برده شود. این طرح با تماس گیری با سازمانها و احزاب دمکرات و چپ که از نظر ما در چارچوب پلاتفرم اتحاد پایدار سیاسی بودند، آغاز شد. راه کارگر از همان ابتدا با تردید موافقت نمود و عملا هیچ گامی برای هماهنگی برداشت تا ماجرای پیام تبریک دبیر کل حزب دموکرات کردستان، آقای مصطفی هجری به جرج بوش رئیس جمهور آمریکا پیش آمد و راه کارگر با استفاده از این موقعیت خود را رسماً کنار کشید.

ما نیز در نخستین گام، اتحاد عمل ها و موضع گیری های سیاسی مشترکی را با حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، کو مه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران داشته ایم و قرار است برای تشکیل یک اتحاد وسیع متشکل از مجموعه جریانات سیاسی، گفتگو و تبادل نظر صورت گیرد و در این راستا گام های اولیه ای هم برداشته شده است.

**اتحاد کار** - با توجه به خروج راه کارگر از کمیته اتحاد عمل... این کمیته وجود خارجی دارد یا نه؟

**پرویز نویدی** - کمیته اتحاد عمل ... از نظر ما از همان زمان که گسترش آن با بن بست روبرو شد، موجودیت خود را از دست داد. از آن تاریخ به بعد عملا هیچ فعالیتی نداشته است. اما متأسفانه ما در جهت اعلام آن به جنبش هیچ اقدامی انجام ندادیم. البته بهتر و متمدانه تر این بود که اعضای تشکیل دهنده این کمیته جمعبندی مشترک خود را از این تجربه اعلام می کردند، حتی اگر به یک جمعبندی واحد نمی رسیدند.

**اتحاد کار** - اما راه کارگر به دلایل دیگری برای خروج خود از این کمیته اشاره کرده است.

**پرویز نویدی** - درست است. راه کارگر طی اطلاعیه ای دلیل خروج خود از این کمیته را ارسال پیام تبریک مصطفی هجری دبیر کل حزب دموکرات کردستان به جرج بوش رئیس جمهور آمریکا عنوان کرده است. راه کارگر این اقدام را نقض ماده هشتم قرارداد اتحادعمل برای دموکراسی در ایران دانسته است. البته در همانجا گفته است که این

۱- نحوه برخورد به رژیم جمهوری اسلامی ایران ۲- مساله ملی ۳- نحوه برخورد به نیروهای سلطنت طلب و ۴- موضوع دخالت آمریکا در منطقه و به ویژه در رابطه با کشور ما.

تا قبل از شکست اصلاح طلبان حکومتی در ایران مساله نحوه برخورد به جمهوری اسلامی به یک گره‌گاه اصلی تبدیل شده بود و بخشی از اپوزیسیون به درجاتی متفاوت موضع دنباله روی از جناح اصلاح طلب را دنبال می‌کرد و به طور کلی آلترناتیو وضع موجود را در تحول درونی رژیم دنبال می‌کرد. امروز خوشبختانه این فکر تا حدی تضعیف شده است. می‌گویم تا حدی چون هنوز هستند جریاناتی که از این سیاست نبریده‌اند و اصولاً هیچ رسالتی برای جنبش توده‌ای و اپوزیسیون رژیم قائل نیستند.

در دوران حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام حسین مساله دخالت آمریکا و از این طریق سقوط دیکتاتورها و استقرار دموکراسی برخی از نیروها را به وسوسه انداخت و ما با یک گرایش پشتیبانی از دخالت آمریکا در میان نیروهای چپ و دموکرات روبرو بودیم.

اخیراً هم مساله همکاری با سلطنت طلبان برای برانداختن رژیم جمهوری اسلامی، گرایشی است که متأسفانه در میان برخی از جریانات چپ و دمکرات شاهد آن هستیم. این همان خطای فاحشی است که از طرف برخی جریانات در آستانه و بعد از سقوط رژیم شاه صورت گرفت که آنها را از چاله سلطنت به چاه جمهوری اسلامی انداخت. حالا هم با سکوت در رابطه با نوع حکومت و تأکید صرف بر دموکراسی در برابر استبداد دینی گروهی می‌خواهند از چاله جمهوری اسلامی خود را به چاه سلطنت و آمریکابیندازند.

و بالاخره مساله ملی یکی دیگر از گره‌گانه‌های است که به عنوان یک مانع در اتحاد وسیع نیروها عمل می‌کند. یعنی بخشی از نیروهای اپوزیسیون از پذیرش این واقعیت که کشور ما سرامیکی از ملیت‌های مختلف است که اکثر آنها به درجات متفاوتی تحت ستم ملی حکومت سلطنتی و دینی قرار داشته و دارند، سرباز می‌زنند و طبیعتاً نمی‌توانند یک راه حل دموکراتیک که تضمین‌کننده واقعی اتحاد و یکپارچگی ایران باشد در پلاتفرم ارائه دهند. اینان با شعار حفظ تمامیت ارضی حقوق دموکراتیک این ملیت‌ها را زیر پا می‌گذارند، غافل از اینکه این دیدگاه نه تنها در خدمت حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی کشور نیست بلکه تخم دشمنی در دل ملیت‌های تشکیل‌دهنده کشور ما می‌کارد. این تفکر و گرایش‌های تجزیه طلبانه و جدائی خواه دو روی یک سکه هستند و هر کدام خوراک دیگری را تأمین می‌کنند.

البته به این موانع باید یکی از موانع جان سخت و دیرپای این جنبش یعنی سکتاریسم و مصلحت‌اندیشی‌های سازمانی یا فرقه‌ای را افزود که فراتر از مصالح جنبش عمل می‌کند. خوشبختانه این نگاه امروز در حال تضعیف شدن است.



شد. اما تجارب و نکات مثبتی هم از خود بجا گذاشت که نباید چشم بر آنها فرو بست.

اولاً این اتحاد به مدت حدود ده سال حول پلاتفرمی شکل گرفت و فعالیت کرد که تا همین امروز نه تنها اساس آن زیر سؤال نرفته بلکه روز به روز صحت مضامین آن بیشتر اثبات شده است.

مجموعه نیروئی که این اتحاد مد نظر داشت در هر تجمعی که قرار گرفته‌اند، حول پلاتفرم‌های مشابه‌ای متشکل شده و فعالیت کرده‌اند. این از نظر من یک دست آورد محسوب می‌شود.

ثانیاً سازمان‌های تشکیل‌دهنده این اتحاد در عمل نشان داده‌اند که می‌توان و باید علیرغم برخی اختلافات نظری، بر اساس اشتراکات بر سر اهداف مرحله‌ای با هم مبارزه مشترکی را در مقابل دشمن مشترک پیش برد. این تجربه و این درک از اتحاد در تضعیف سکتاریسم لانه کرده در صفوف جریانات دموکراتیک و انقلابی کشورمان، نقش ایفا نمود.

ثالثاً این فعالیت مشترک به ایجاد تفاهم و اعتماد متقابل بین نیروهای تشکیل‌دهنده آن کمک فراوانی کرد و این سه جریان به مدت ده سال با زبان و کلامی مشترک آزادی، دموکراسی و عدالت را فریاد کردند.

این حد از اعتماد متقابل در میان اپوزیسیون دموکراتیک و چپ ایران کمتر وجود داشته و از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. به ویژه اگر توجه کنیم که این اتحاد زمانی شکل گرفت که شرایط برای اتحاد و ائتلاف مساعد نبود. بدنبال تحول دوم خرداد اختلاف شدیدی نه تنها بین نیروهای اپوزیسیون که در درون همه سازمان‌های سیاسی بروز کرد و طیف بندی‌های جدیدی را به وجود آورد.

حتی امروز که این اتحاد با بن بست روبرو شده و سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر از آن با اعتراض خارج شده است، ولی نحوه برخوردش با دو جریان دیگر بهیچ وجه دشمنانه نیست. این بدین لحاظ اهمیت دارد که در گذشته در همین جنبش، با اختلافات به مراتب کمتر برخی جدائی‌ها، به برخوردهای دشمنانه‌ای کشیده می‌شد و انرژی زیادی صرف به اصطلاح افشاگری می‌گردید.

من از اینکه این حرکت نتوانست گسترش پیدا کرده و نیروی وسیعی از اپوزیسیون دموکراتیک و چپ را متشکل نماید، بسیار متأسفم. ولی همچنان فکر می‌کنم با هر دو متحدان راه دراز و مشترکی در پیش داریم. سرنوشت ما تا حدود زیادی بهم گره خورده است. درک مسئولیتها ما را با دیگر نیروهای متعلق به این طیف در اشکال دیگری در کنار هم قرار می‌دهد. ما ناگزیریم برای آزادی و عدالت صفوف خود را متشکل کنیم. بساط جمهوری اسلامی که بر سر راه استقرار دموکراسی ایستاده است، تنها با نیروی متحد مجموعه کسانی که دل در گرو رهائی دارند برچیده می‌شود. ما می‌توانیم و باید با درس آموزی از تجارب خود دوشادوش هم این راه را بپیمائیم. گریزاز این ممکن نیست.

**اتحاد کار-** با درس آموزی از این تجربه شما چه موانع و مشکلاتی را بر سر راه شکل‌گیری یک اتحاد وسیع می‌بینید؟

**پرویز نویدی-** موانع برسر راه شکل‌گیری یک ائتلاف وسیع کم نیست. من به چند مساله که امروز برجسته شده و صف بندی حول آنها یا شکل گرفته یا در حال شکل‌گیری است اشاره می‌کنم. این مسائل گرهی از این قراراند: